

نقشه راه آنکارا - ایروان؛ معادله جدید قفقاز سیدرضا میرمحمدی*

مقدمه

بحث از سرگیری روابط دیپلماتیک ایروان - آنکارا، چندی است که به عنوان یکی از موضوعات و مباحث روز منطقه، در معرض دقت و توجه رسانه‌ها و تحلیل‌گران مسائل سیاسی قرار گرفته و رهبران و دولتمردان دو کشور و حتی برخی دیگر از کشورهای منطقه و جهان را هم به اظهار نظر و اعلام موضع در این خصوص کشانده است.

سردی و تنش سیاسی در روابط و مناسبات سیاسی ترک‌ها و ارمنه، دست کم پیشینه ای صد ساله دارد و به سال‌های جنگ جهانی اول بر می‌گردد. ادعای ارمنه مبنی بر قتل عام هم‌کیشانشان در آناتولی توسط ارتش عثمانی در سال ۱۹۱۵م، ریشه و اساس این مناقشه سیاسی است و از آن تاریخ تاکنون این مسئله سایه سرد و جو سنگین بدبینی و بی‌اعتمادی خود را بر فضای مناسبات دو طرف گسترده و شرایط سخت و پیچیده ای را فراروی این دو کشور قرار داده است.

رخداد جنگ قره باغ و تصرف ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان که به دنبال فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱م و پایان تسلط مسکو بر قفقاز صورت گرفت و تا کنون نیز ادامه دارد، انگیزه و عامل دیگری شد تا رهبران آنکارا در حمایت از به اصطلاح هم‌زبانان و هم‌نژادان؟ آذری خود، یک گام دیگر به جلو برداشته و روابط رسمی و دیپلماتیک خود را با ایروان قطع نمایند. از سال ۱۹۹۳م و در روزهای اوج جنگ قره باغ، ترکیه در اعتراض به اشغال اراضی جمهوری آذربایجان، مرزهای خود با ارمنستان را بست و روابط سیاسی خود را با ایروان قطع کرد بطوری که این وضعیت تا حال حاضر پا بر جاست.

از حدود دو یا سه سال پیش زمزمه‌هایی در سطح برخی رسانه‌های منطقه پیرامون امکان از سرگیری روابط سیاسی ایروان

- آنکارا شنیده می‌شد تا اینکه سرژ سرکیسیان رئیس‌جمهور جدید ارمنستان اندکی پس از انتخاب خود به صورت آشکار از آمادگی کشورش برای شروع مجدد روابط دیپلماتیک با ترکیه سخن به میان آورد. سفر عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه به ایروان در ۱۷ شهریور ماه سال ۱۳۸۷ به بهانه تماشای دیدار تیم‌های ملی فوتبال دو کشور در چارچوب مسابقات مقدماتی جام ملت‌های اروپا نقطه عطفی در روند از سرگیری روابط سیاسی دو کشور تلقی شد و یک گام اساسی به جلو بشمار آمد تا رهبران دو کشور اراده و خواست جدی خود را برای شروع مجدد روابط دیپلماتیک نشان داده باشند. چرا که از زمان تاسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳م، پای هیچ کدام از روسای جمهور این کشور به ارمنستان باز نشده بود و از میان کسانی که در تاریخ جمهوریت ترکیه بر کرسی ریاست جمهوری تکیه داده بودند، هیچ یک از آنها در مقام رئیس‌جمهور، اقدام به عبور از این خط قرمز ساختگی یا تحمیلی نکرده بود.

گام‌ها و تلاش‌های سیاسی مقامات دو کشور در پیگیری این پروژه بدانجا رسید که مسئولان وزارت امور خارجه ترکیه و ارمنستان به همراه دپارتمان امور خارجه سوئیس، روز ۳ اردیبهشت ۱۳۸۸، اعلام کردند که آنکارا و ایروان برای عادی سازی روابط خود بر اساس یک «نقشه راه» به توافق رسیده‌اند. (۱) با توجه به اهمیت این موضوع و تاثیر گذاری آن در روابط و مناسبات سیاسی منطقه، نوشتار حاضر زوایای مختلف مسئله را بطور اختصار و فشرده بررسی کرده و به تحلیل پیامدهای آن به عنوان یک معادله جدید در قفقاز پرداخته است.

ماهیت مسئله

اینکه رهبران و مقامات آنکارا و ایروان در این حرکت جدید به دنبال تامین منافع ملی کشورشان هستند و در این راستا است که

رویکرد تازه ای در تعامل با یکدیگر اتخاذ کرده و در صدد برقراری مجدد روابط و مناسبات سیاسی اند، تردیدی نیست. ولی موضوع از سرگیری روابط دیپلماتیک ترکیه و ارمنستان فراتر از خواست و اراده دو طرف است و بدون تردید قدرت‌های ذینفع در منطقه اند که طراحی و بازیگری پشت صحنه این سناریو را بر عهده دارند.

از آنجا که رقابت اصلی در قفقاز میان روسیه از یک سو و آمریکا و اروپا و متحدان آنها از سوی دیگر است، قاعدتا باید این معادله جدید را هم در چارچوب بازی‌های سیاسی این رقبا برای اجرای نقشه‌های خود در منطقه مهم و استراتژیک قفقاز در نظر گرفت و از این زاویه به بررسی و ارزیابی آن پرداخت. اما با توجه به اینکه منافع دو طرف رقیب در قفقاز (روسیه و غرب) در تقابل با هم قرار گرفته و قابل جمع نیست، بنابراین سناریوی از سرگیری روابط ایروان - آنکارا هم، نمی‌تواند یک طراحی مشترک محسوب شده و نسخه اولیه آن از ناحیه دو طرف رقابت نوشته شده باشد.

همه قرائن و شواهد نشانگر آن است که این پروژه ماهیت غربی و آمریکایی دارد که البته منافع دو طرف معامله یعنی ارمنستان و ترکیه را هم تا حدودی در نظر گرفته است تا مقامات این دو کشور انگیزه لازم برای پیگیری و تحقق آنرا علی‌رغم موانع موجود بر سر راهش که در سطور بعدی بدانها اشاره خواهد شد، داشته باشند. در کنار این تحلیل، معدود ناظرانی هم هستند که بر خلاف دیدگاه غالب، این پروژه را روسی ارزیابی می‌کنند ولی دلایل محکم و قانع کننده ای برای اثبات ادعای خود ارائه نمی‌کنند و اساسا به زعم نگارنده چنین دلایلی وجود ندارد تا قابل ارائه، دفاع و پذیرش باشد.

اظهار نظرها و موضع‌گیری‌های مقامات اروپایی و آمریکایی پیرامون این موضوع، همگی در راستای تأیید و توصیه‌ی روند در پیش گرفته شده برای عادی سازی و از سرگیری روابط آنکارا و ایروان است. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا و سخنگوی وزارت امور خارجه آن کشور در مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌های خود، تصمیم مقامات ترکیه و ارمنستان در برقراری مناسبات دیپلماتیک میان دو کشور را مثبت ارزیابی کرده و آن را اقدامی

مفید و به سود دو طرف و سایر کشورهای منطقه ارزیابی کرده‌اند. مقامات اتحادیه اروپا نیز نه تنها طی روزهای اخیر بلکه سالهاست ترکیه را دعوت به حل مسائل و مشکلات خود با همسایگانش از جمله ارمنستان کرده و حتی یکی از شروط پذیرش این کشور در اتحادیه اروپا را تحقق این امر اعلام کرده‌اند. به بیان دیگر، رهبران آنکارا برای آشتی با ارمنستان از سوی غرب تحت فشار هستند و تا حدود زیادی مجبورند برای تنظیم و بهبود مناسبات آینده خود با اروپا و آمریکا در این راستا حرکت نمایند.

طرف دیگر قضیه در معادلات قفقاز جنوبی، روسیه است و این کشور تحت هیچ شرایطی حاضر نیست از منافع خود در این منطقه مهم و ژئواستراتژیک دست برداشته و عرصه را برای اروپا و آمریکا خالی کند. جنگ اوستیای جنوبی و عکس‌العمل شدید و غیر قابل پیش بینی مسکو در قبال اقدام ساکاشویلی در حمله به تسخینوالی، تا جایی که اروپا و آمریکا هم نتوانستند حمایتی از تفلیس به عمل آورند، مویذ این نظر و ادعاست.

بدون تردید اجرای نقشه راه همکاری‌های آنکارا - ایروان تقویت حضور و موقعیت ترکیه در قفقاز را در پی خواهد داشت و طبیعی است که این مسئله با منافع روسیه در این منطقه در تضاد خواهد بود. نباید از نظر دور داشت که ترکیه عضو دائم و مهم نانو است و از متحدان غرب به شمار می‌رود و در صورت حضور پررنگ در معادلات قفقاز، علاوه بر ظاهر شدن در قامت یک رقیب برای مسکو، نمایندگی و عاملیت غرب را هم بر عهده خواهد داشت. درست است که حزب حاکم ترکیه (عدالت و توسعه) به رهبری رجب طیب اردوغان، دولتی اسلام‌گراست و مسیری متفاوت از احزاب و دولت‌های لائیک قبلی را طی می‌کند، ولی با این حال همکار غرب بویژه آمریکا و ناتو به حساب می‌آید.

اما در این میان نکته ظریف دیگری هم وجود دارد که اجرای کامل و نهایی این سناریو (نقشه راه) را در مدت زمانی کوتاه و در یک فرایند سهل و آسان، با نوعی پیچیدگی و ابهام مواجه می‌سازد و آن اینکه از طرفی تجدید روابط دیپلماتیک ترکیه و ارمنستان و بازگشایی مرزهای دو کشور در شرایط فعلی با

نارضایتی و مخالفت باکو همراه است و از سوی دیگر، عدم رضایت و همراهی جمهوری آذربایجان با اجرای این برنامه که از متحدان و دوستان غرب در منطقه استراتژیک قفقاز به شمار می‌رود و به تامین منافع اروپا و آمریکا کمک می‌کند، تحقق آنرا با دشواری مواجه می‌سازد. مگر اینکه در چارچوب این معادله، مشکل و چالش اصلی و اول جمهوری آذربایجان که مناقشه قره باغ و اراضی اشغالی آن کشور است نیز پیش بینی و برنامه حل و فصل آن در نظر گرفته شده باشد. امری که البته پذیرش آن از نقطه نظر کارشناسی دشوار می‌نماید و نمی‌توان به تحقق زود هنگام آن چندان امیدوار بود.

مفاد نقشه راه

روز پنجشنبه سوم اردیبهشت ماه، برابر با ۲۳ آوریل سال جاری میلادی، وزارت خانه‌های امور خارجه ارمنستان و ترکیه به همراه دپارتمان امور خارجه سوئیس (به عنوان میانجی) با صدور بیانیه ای خبر از توافق مقامات آنکارا و ایروان برای عادی سازی روابط فی مابین بر اساس یک نقشه راه دادند. خبرگزاری ترند جمهوری آذربایجان به نقل از مطبوعات ترکیه، مفاد و بندهای کلی این توافق نامه را به شرح زیر اعلام کرد:

۱. ارمنستان و ترکیه قرارداد قارص را که در سال ۱۹۲۱ میان اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه بسته شده است، می‌پذیرند. (۲)
۲. دو کشور کمیسیون مشترکی با عضویت مورخین برای بررسی موضوع کشتار ارامنه تشکیل می‌دهند. کشور ثالث نیز می‌تواند در این کمیسیون عضویت داشته باشد.
۳. مرزهای ترکیه و ارمنستان بازگشایی و اسناد مربوط به مبادلات تجاری امضا می‌شود.
۴. ترکیه و ارمنستان متعاقب معرفی سفرای خود در گرجستان به عنوان اکرودیتته در پایتخت‌های دو کشور، روابط دیپلماتیک مستقیم برقرار می‌کنند.
۵. پارلمان‌های دو کشور طرحها و برنامه‌هایی را که از طرف ارگان‌های اجرایی در چارچوب نقشه راه مطرح و پیگیری می‌شود، مذاکره و تصمیم گیری می‌کنند. (۳)

لازم به تاکید است که در بیانیه رسمی صادره از سوی سه کشور ترکیه، ارمنستان و سوئیس، جزئیات توافق طرفین منعکس نشده و این بندهای پنج‌گانه متناسب به توافق نامه، تاکنون از سوی مقامان رسمی ایروان و آنکارا تأیید و یا تکذیب نشده است. منبع اولیه اعلام بندهای توافق نامه نقشه راه همکاری‌های ترکیه و ارمنستان، روز نامه صباح ترکیه بود که تعدادی دیگر از رسانه‌های منطقه نیز به نقل از این روزنامه اقدام به انعکاس خبری آن کردند. بنابر این در صحت یا سقم بندهای توافق نامه نقشه راه همکاری‌های دو کشور به شرحی که رفت نمی‌توان با قطع و یقین اظهار نظر کرد.

موانع و دشواری‌های پیش روی نقشه راه

اگرچه رهبران آنکارا و ایروان در طی دو سال گذشته گام‌هایی رو به جلو برای عادی سازی روابط دو کشور و از سر گیری مناسبات دیپلماتیک میان خود برداشته‌اند، ولی موانع و دشواری‌های موجود در مسیر تحقق آسان و اجرای کامل بندهای متناسب به نقشه راه، آینده آن را چندان هم روشن و شفاف نشان نمی‌دهد. مهمترین موانع و چالش‌های پیش روی این برنامه عبارتند از:

۱. آماده نبودن افکار عمومی دو کشور برای پذیرش مسئله: با توجه به تبلیغات وسیع و پر دامنه ای که مقامات، مطبوعات و رسانه‌های دو کشور ترکیه و آذربایجان طی ۱۸ سال گذشته در خصوص «یک ملت و دو دولت» بودن خود انجام داده و ارمنستان را دشمن مشترک خود معرفی کرده اند، تغییر جهت و نگاه مردم و افکار عمومی این دو کشور به سمت و سویی خلاف آن، که آشتی با ارمنستان را دنبال کند، سهل و آسان نیست و در یک پروسه زمانی کوتاه مدت، مقدور نمی‌باشد. بر این اساس است که به محض طرح این مسئله در رسانه‌ها، مردم هر دو کشور عکس‌العمل منفی نشان داده و صدای اعتراض بلند کردند. در ترکیه، ملی‌گراها و احزاب مخالف دولت اردوغان پرچم دار این مخالفت و اعلام موضع منفی بودند و در جمهوری آذربایجان هم نه تنها مردم و احزاب مخالف بلکه دولتمردان و حزب حاکم نیز روی خوشی به این مسئله نشان ندادند. حتی در

ارمنستان نیز قره باغی‌ها و احزاب افراطی بویژه دانشناکسیون مخالفت خود را با عادی‌سازی روابط آنکارا و ایروان، بدون تسلیم شدن طرف ترک در برابر شروط ارمنی‌ها (پذیرش نسل کشی و پرداخت غرامت از سوی ترکیه) اعلام کردند.

۲. خطر نزدیکی آذربایجان به روسیه (نارضایتی باکو): نارضایتی جمهوری آذربایجان از عادی شدن روابط ترکیه و ارمنستان بدون حل مشکل قره‌باغ، می‌تواند باعث نزدیکی باکو به روسیه شده و برنامه‌های راهبردی غرب در منطقه قفقاز را که یکی از آنها همراه کردن جمهوری آذربایجان است، با مانع و مشکل مواجه سازد. علائم و نشانه‌های این امر از هم اکنون آشکار است و از وقتی که سه کشور ترکیه، ارمنستان و سوئیس بیانیه توافق بر سر عادی سازی روابط آنکارا - ایروان را صادر کرده اند، باکو هر چند بصورت آرام و بی صدا ولی با هدف ارسال پیام به ترکیه و غرب، یک گام به سمت مسکو برداشت و در سفری که رئیس جمهور آذربایجان در این اثنا به روسیه داشت، در مذاکرات الهام و مدودیف، سخن از توافق گازی دو طرف و دور زدن پروژه‌ی پارس و صدای نابوکو به میان آمد. قطعا غرب حاضر به از دست دادن جمهوری آذربایجان در قبال عادی سازی روابط ترکیه - ارمنستان نیست و در نهایت، معادله طوری باید نوشته و اجرا شود که نقشه‌ی راه ایروان - آنکارا با رضایت باکو و عدم چرخش آن به سمت روس‌ها تحقق یابد.

۳. شرط نخست وزیر ترکیه برای اجرای نقشه‌ی راه: رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه چندین بار آنهم با حدت و شدت اعلام کرده است که تا قبل از حل و فصل مناقشه قره‌باغ و آزادسازی اراضی آذری‌ها از سوی ارمنستان، کشورش اقدام به بازگشایی مرزهای خود با ارمنستان نخواهد کرد. وی در سفری که روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت به باکو داشت، پس از ملاقات با الهام علیف در مصاحبه ای بار دیگر به اعلام و تکرار این موضع پرداخت و یاد آور شد که «چون دلیل و سبب بسته شدن مرزهای ترکیه با ارمنستان، اشغال اراضی جمهوری آذربایجان از سوی ایروان است، بنابراین باز گشایی مرزها نیز باید با از میان رفتن همان عامل یا سبب - که در واقع رفع و خاتمه‌ی اشغال است - صورت گیرد.» (۴)

بدیهی است که مشروط کردن اجرای نقشه‌ی راه توافق شده میان ترکیه و ارمنستان به حل و فصل مناقشه قره باغ و آزاد سازی اراضی جمهوری آذربایجان، آینده این توافق را با ابهام مواجه می‌سازد؛ چرا که بعید است تحقق شرط تعیین شده به راحتی و در مدت زمانی کوتاه مقدور باشد. پیچیدگی مناقشه گره باغ و باز کردن گره آن با توجه به اینکه دو طرف درگیر و قدرت‌های منطقه و جهان در قالب گروه مینسک از سال ۱۹۹۲م در تلاش برای حل آن هستند، دشوارتر از آن است که پاسخگوی شرط اردوغان باشد.

البته به موازات این موضع گیری، عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه در تلاش است تا با ادبیات ملایم‌تر، چشم‌انداز امیدوار کننده ای از آینده‌ی نقشه‌ی راه ترسیم کرده و کشورهای منطقه را بصورت توامان در این قضیه ذینفع قلمداد نماید. وی در اظهار نظری یادآور شد که «از سرگیری روابط ترکیه و ارمنستان برای تمامی منطقه نقطه مثبتی است و این قدم، نگرانی‌ها و دغدغه‌های تمامی کشورهای منطقه از جمله آذربایجان را جواب می‌دهد.» (۵)

نتیجه‌گیری

با توجه به موارد فوق‌الذکر، نتایج زیر قابل استنتاج است:

۱. به نظر می‌رسد رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه نوعی تیزبینی و زیرکی سیاسی خاصی را در موضع گیری خود لحاظ کرده و با پرتاب توپ به زمین مدعیان و دست اندرکاران حل و فصل مناقشه قره‌باغ (گروه مینسک - آمریکا، اروپا و روسیه) خواسته است هم جمهوری آذربایجان را از ترکیه دور نکرده باشد و هم با فشارها و توصیه‌های غرب در مورد عادی‌سازی روابط کشورش با ایروان کنار آمده و جواب منفی به مطالبه آنان ندهد.

۲. ذهنیت تاریخی منفی و بدبینانه ارمنه و ترک‌ها نسبت به هم تا بدان اندازه عمیق و ریشه‌دار است که حتی در صورت اجرای نقشه‌ی راه توافق شده ولو در دراز مدت، این دو کشور با وجود داشتن روابط رسمی و دیپلماتیک نمی‌توانند به کشورها و ملت‌هایی دوست تبدیل شوند. عکس این قضیه در روابط باکو و آنکارا نیز صادق است و اگر روزی ایروان و آنکارا به

۴. خبرگزاری رسمی جمهوری آذربایجان، آذرتاج (www.azertag.com)،
۱۳ ماه می ۲۰۰۹ م.
۵. خبرگزاری ترند (<http://news-az.trend.az>)، ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ م.

عادی سازی مناسبات خود موفق شوند، روابط باکو و آنکارا هم آن چنان که برخی ها تصور می کنند به تیرگی نخواهد گرائید و نهایتا رهبران جمهوری آذربایجان به گونه ای با این مسئله کنار خواهند آمد.

۳. عادی سازی روابط و مناسبات ترکیه و ارمنستان، فرصت مناسبی به نفع ایران در فضای فکری، فرهنگی و تبلیغی جمهوری آذربایجان ایجاد می کند و بخش قابل توجهی از جو سازی های منفی ایجاد شده علیه جمهوری اسلامی ایران را در آن کشور از بین می برد که در نوع خود مغتنم و قابل بهره برداری است. البته این موضوع ابعاد و جنبه های مختلفی دارد که بطور جداگانه و در جای خود باید بدان پرداخته شود.

مگارشناس مسائل آسیای مرکزی و قفقاز

پی نوشت ها:

۱. پایگاه اطلاع رسانی خبرگزاری ریا نوستی (<http://pe.rian.ru>)، پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۸۸.
۲. مرزهای کنونی ترکیه با اتحاد جماهیر شوروی سابق (جمهوری های فعلی قفقاز جنوبی) بر اساس این عهد نامه ترسیم و تعیین شده است.
۳. خبرگزاری ترند (<http://news-az.trend.az>)، ۲۵/۴/۲۰۰۹ م.

